

## بیکاری

### بیماری مزمن و کشنده نیروی جوان کشور

مهرزاد شفیع پور

شود که هزینه هایی برای فرد و اجتماع دارد. اشخاص بیکار نسبت به افراد شاغل از نظر سلامت جسمی و ذهنی در وضع بدتری قرار دارند و در واقع دچار نوعی استیصال اجتماعی می شوند. بیکاری و سلامت رابطه تنگاتنگی با هم دارند و رابطه این دو نوع در مطالعات متعدد آزمون شده است. از جمله می توان به مطالعاتی که اسمیت (۱۹۸۷) تیلور (۱۹۹۱) و فریر (۱۹۹۲) انجام داده اند. نام برد. (فتحی، ۱۳۸۱: ۸)

۳- اثر بیکاری بر جرم نیز انکار ناپذیر است. دیکینسون معتقد است که بین اقدام های جنایی که بیشتر مردان جوان بومی مرتکب می شوند با بیکاری همراهی روشنی دارد. البته ادعا نمی شود که رابطه ساده ای بین جرم و بیکاری وجود دارد، اما بیکاری عامل اصلی در انگیزه جرم محسوب می شود. به این ترتیب افزایش بیکاری همواره افزایش جرم و جنایت در جامعه را به دنبال دارد. (همان)

۴- مباحث نظری اقتصاد اجتماعی حاکی از آن است که افزایش مشکلات اقتصادی از جمله بیکاری باعث افزایش جرم و جنایت می شود. هرچند کل جرائم را نمی توان به مسائل اقتصادی ربط داد ولی هیچ کدام از کارشناسان اجتماعی رابطه رشد خودکشی را با رشد مشکلات اقتصادی به ویژه افزایش بیکاری و به دنبال آن استیصال اجتماعی افراد و ناتوانی آنها در امرار معاش افراد تحت تکفل را نادیده نمی گیرند. (همان: ۱۳)

۵- بیکاری پیامدهای منفی بسیاری هم از نظر فردی و هم از نظر خانوادگی و اجتماعی در پی دارد که عمده ترین پیامدهای آن عبارتند از: ۱- احساس بی ارزشی در فرد ۲- فقر و تنگدستی و مشکلات خانوادگی، ۳- بزهکاری و آلوده شدن به اعتیاد... ۴- عقب ماندگی کشور از نظر اقتصادی. (روزنامه رسالت، ۱۳۹۰: ۳۶)

۴-۱. احساس بی ارزشی: بیکاری چه اینکه به خاطر فراهم نبودن زمینه کار باشد و یا به خاطر عدم تلاش خود فرد، در هر دو صورت باعث می شود که فرد، مورد

بیکاری یکی از بزرگ ترین معضلاتی است که توازن و تعادل جامعه را به هم ریخته و باعث ایجاد بحران های متعدد در عرصه های اجتماعی، اقتصادی، روانی و سیاسی می شود. بیکاری در واقع شاهراه اصلی معضلات و ناهنجاری های اجتماعی است و حل آن بسیاری از مشکلات اجتماعی، روانی، اقتصادی جامعه را برطرف می کند.

«بنا بر تعریف دفتر بین المللی کار، تمام افرادی که در یک روز معین در جستجوی کارند اما با وجود داشتن توان برای انجام کار موفق به کسب کار نمی شوند، بیکار به حساب می آیند.» (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۸۳۱)

تأثیرات سوء بیکاری در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، روانی و... قابل بررسی است. هر یک از ابعاد آن را می توان طی گزارشات مفصلی تشریح نمود، اما در این نوشتار تلاش بر این شده با نگاهی گذرا آسیب های اجتماعی بیکاری را مورد بررسی قرار دهیم. بنابراین مهمترین تبعات اجتماعی معضل بیکاری از نگاه اندیشمندان و صاحب نظران را می توان به شرح زیر بیان کرد.

۱- شاید از خود پرسیم که جامعه در ارتباط با بیکارهای کلان چه تاوانی را خواهد پرداخت؟ غرامت های تفکیک شده زیر حداقل بهایی است که در این رابطه باید پرداخت: ۱- کاهش تولید ناخالص ملی؛ ۲- کاهش مهارت های شغلی؛ ۳- کاهش درآمد و افزایش فقر و نابرابری؛ ۴- کاهش آزادی و بهره مندی اجتماعی؛ ۵- آسیب های روحی و روانی؛ ۶- عدم تندرستی و افزایش مرگ و میر؛ ۷- تضعیف روابط فامیلی و اجتماعی؛ ۸- کاهش انگیزه های کار در آینده؛ ۹- تشدید نابرابری های نژادی و جنسیتی؛ ۱۰- کم رنگ شدن ارزش های فرهنگی و اجتماعی؛ ۱۱- عدم انعطاف پذیری فنی و سازماندهی. (تیامن، ۱۳۷۶: ۳۱-۳۶)

۲- بیکاری عنصری مخرب و زیان بخش در روابط فردی و اجتماعی محسوب می

سرزنش اطرافیان بخصوص خانواده قرار گیرد و یا حداقل اطرافیان توجه لازم را نسبت به فرد بیکار نداشته باشند، در این صورت، فرد احساس بی ارزشی می کند.

۴-۲. فقر و تنگدستی: دومین پیامد بیکاری، فقر و تنگدستی و محرومیت از رفاه و آسایش مادی است. بیکاری باعث می شود که فرد و خانواده از امکانات مورد نیاز و رفاه و آسایش زندگی محروم گردد. این مسئله به مرور زمان، آرامش روانی خانواده را متزلزل نموده و چه بسا باعث محرومیت فرزندان از تحصیل و دیگر مزایای زندگی اجتماعی می گردد.

۴-۳. زمینه ساز بزهکاری: جامعه شناسان علل متعددی را برای بزهکاری ذکر کرده اند که یکی از آن علل، عامل اقتصادی و فقر و بیکاری است. بیکاری باعث می شود جوانان برای تامین زندگی خود مرتکب بزه و کارهای خلاف شوند. تحقیقات نشان داده است که بیش از نصف افرادی که مبتلا به بزهکاری شده اند، افراد بیکار بوده و یا حداکثر عمر خود را به صورت فصلی کار کرده و مرتب تغییر شغل داده اند.

۴-۴. آلوده شدن به اعتیاد:

برخی پژوهشگران دریافته اند که رابطه مستقیمی بین اعتیاد به مواد مخدر و وضع ناجور اجتماعی وجود دارد، به گونه ای که اپیدمی های بزرگ اعتیاد و همه گیر شدن آن اغلب در مناطقی روی می دهد که عیار بیکاری و جنایت بالاست یا وضع منطقه و منازل، رضایت بخش نیست. وقتی برای افراد مخصوصاً جوانان شغل مناسب و برنامه کاری نباشد، گرد هم جمع می شوند و حاصل چنین مجموعه ای آلوده شدن به قمار، فحشا و اعتیاد و... است.

۴-۵. بیکاری یکی از عوامل عقب ماندگی کشور و جامعه: سعادت و خوشبختی یک جامعه و افراد آن، مرهون کار و فعالیت و شقاوت و بدبختی آنها بر اثر تنبلی و بیکاری آنها است.

۶- میس نشیبه تحقیقات اقتصادی خاورمیانه، مهم ترین نتیجه اجتماعی و اقتصادی بیکاری در ایران را فقر اعلام کرد و در واقع فقر ایرانیان را ریشه در بیکاری دانست و نوشت: در ایران همانند دیگر کشورها، بیکاری گسترده یک جاده مستقیم به سمت فقر است و مطابق آخرین آمارهای ارائه شده از سوی سازمان رفاه ۱۲ درصد از جمعیت این

نامیدی بیشتر می‌گردد که فشار سنگین سنت‌ها و یا شرایط زندگی نوین و پیشرفته یا هر دو، استقلال مالی را ضروری می‌سازد. بنابراین جوانان نه تنها خود را در زمینه مادی متأثر از این مسئله می‌بینند (هنگامی که برای خود درآمد و خانه اختصاصی می‌خواهند و نمی‌یابند)، بلکه حتی از لحاظ جنسی و عاطفی نیز خود را محروم می‌یابند.

۱۰- مهاجرت: فرار، ترک خانه، رفتن به جاهای دیگر.

حجم زیادی از نوشته‌ها و ادبیات علوم اجتماعی در خصوص علل و پیامدهای مهاجرت وجود دارد و در تمامی مناطق و کشورها بین این پدیده و مشکلات مربوط به بیکاری و همچنین دیگر عوامل مهم از قبیل جنگ‌ها و درگیری‌های سیاسی ارتباط برقرار شده است. موضوع ترک اجتماع، کشور و منطقه اولیه و اصلی توسط جوانان، متضمن یک سری تغییرات بنیادین در هویت و جامعه پذیری آنها می‌باشد که حوزه و عواقب این تغییرات توسط دانشمندان علوم اجتماعی و حکومت‌های موجود در کشورهای درگیر با این مسئله مورد مطالعه قرار گرفته است. این موضوع توسط دانشمندان علوم اجتماعی به عنوان یکی از مهمترین «راهکارهای بقا» در نظر گرفته شده است.

۱۱- خرابکاری، بزهکاری، روسپیگری و... علل و عوامل این گونه رفتارهای غیر عادی و ناهنجار یا «انحرافات»، بسیار زیاد و متنوع است و شامل عواملی می‌شود که از حوزه مشکلات و مسائل اقتصادی صرف فراتر می‌رود. به هر حال، مسائل و مشکلات اقتصادی، به ویژه مشکلات مربوط به بیکاری به همراه پیامدهایی که در بالا ذکر شد عبارتند از محرومیت مادی، فقدان جامعه پذیری عادی و طبیعی و همچنین سرخوردگی عاطفی و جنسی.

متأثر می‌سازد. هر جوان بیکار نه تنها خود را از هر گونه درآمد محروم می‌بیند، بلکه از هر گونه جامعه پذیری که از طریق شاغل شدن جلوه می‌کند نیز برکنار می‌باشد. بنابراین بیکاری به نوع جدیدی از حاشیه‌ای شدن جوانان منتهی می‌گردد. بیکاری همچنین مشوق حرکت به سوی دیگر اشکال جامعه پذیری که غیرنهادینه و اغلب غیر قابل پیش بینی اند، می‌باشد.

پدیده‌هایی همچون، ولگردی، بزهکاری، فحشاء، کارهای مخفی و خلاف، خود اشتغالی، مسافرت به منظور ماجراجویی، بازگشت به خانواده، از سرگیری و ادامه تحصیلات که در تمامی مناطق مشهود می‌باشد، تا حدودی منعکس کننده اشکال جایگزین جامعه پذیری است که لازمه بیکاری می‌باشد.

۸- رویارویی جوانان با خودشان: از شکست و خود تباهی تا رشد و خلاقیت شخصی.

در بعضی موارد، از بعد روانی، بیکاری به عنوان ناکامی یا شکست تجربه می‌گردد که این امر باعث به وجود آمدن احساس جدایی و حذف از جامعه در جوانان می‌شود، ظاهراً این مسئله در تمامی مناطق اتفاق می‌افتد.

در برخی شرایط خاص، شخص جوان در اتخاذ هر گونه اقدام مثبت در جهت مقابله با بیکاری ناتوان می‌ماند. در چنین مواقعی است که خودکشی همان‌طور که در مطالعه ویساریا بر روی آسیا ذکر شده است، رخ می‌دهد و گرایش به بزهکاری به اوج خود می‌رسد. خوشبختانه، اکثریت جوانان این گونه عکس العمل نشان نمی‌دهند و بسیاری از آنها عکس العملی مثبت دارند. آنها دست به ابتکارات فردی و گروهی می‌زنند که منجر به تقویت شخصیت و خلاقیت‌های فرهنگی و حرفه‌ای آنها می‌گردد.

۹- تشکیل خانه و خانواده هدفی که باید به تأخیر بیفتند.

جوانانی که به واسطه بیکاری از ابزار استقلال مالی محروم گشته‌اند، مجبورند تا به وابستگی خود به کمک‌های مالی خانواده ادامه دهند. این مسئله، با اندکی استثنا بدین معناست که برنامه‌ها و هدف‌هایی از قبیل داشتن خانه و خانواده باید تا آینده‌ای نا معلوم به تأخیر بیفتند.

این مسئله هنگامی باعث سرخوردگی و

کشور که ۹ میلیون نفر را شامل می‌شود. زیر خط فقر زندگی می‌کنند و ۱۷ درصد یعنی ۱۱ میلیون نفر نیز فقیر هستند و این در حالی است که بر اساس آمارهای واقعی ۴۰ درصد جمعیت ایران زیر خط فقر مطلق و نسبی زندگی می‌کنند و نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که بیکاری مهم‌ترین عامل این میزان فقر در ایران است.

این گزارش در ادامه فقر ناشی از بیکاری را موجب بروز دیگر معضلات اجتماعی از جمله خودکشی، طلاق، اعتیاد، فعالیت‌های اقتصادی زیر زمینی، جنایت، رشوه‌خواری و فساد مالی ارزیابی کرد و افزود: حدود ۶۰ درصد خودکشی در ایران به طور مستقیم با مساله بیکاری در ارتباط است.

نشریه اقتصادی میس در ادامه به نتیجه دیگر بیکاری در ایران اشاره کرد و نوشت: فقدان فرصت شغلی مناسب برای قشر تحصیل کرده و نخبگان جامعه ایران موجب بروز معضل فرار مغزها شده است و برآورد می‌شود که سالانه بین ۱۰۰ تا ۲۲۵ هزار نفر از متخصصان و تحصیلکرده‌های ایران کشور خود را ترک می‌کنند.

این گزارش بروز ناامنی و بی‌ثباتی سیاسی را یکی دیگر از نتایج بیکاری در کشور ذکر کرد و نوشت: جوانی که یک فرصت شغلی مناسب در اختیار داشته باشد، انگیزه کمتری برای حضور در اغتشاش‌های خیابانی و تظاهرات‌ها علیه حاکمیت این کشور را دارد.

۷- فروپاشی فرآیند عادی جامعه پذیری جوانان، حاشیه‌ای شدن و اشکال جایگزین جامعه پذیری.

به دست آوردن شغل، یک انتظار اجتماعی و فرهنگی است که در اوان کودکی حاصل می‌شود و بنابراین دائماً از طریق تأثیرگذاری مدرسه، خانواده، بزرگسالان و رسانه‌های گروهی تقویت می‌گردد.

هر شخص جوانی با تکمیل تحصیلات و یا دوره‌های آموزشی امیدوار است که با ورود به جهان کار به یک جایگاه و هویت اجتماعی جدید نائل آید. به دست آوردن کار، علاوه بر اهمیت اقتصادی آن، به لحاظ فرهنگی نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. بیکاری، ناگهان این جریان را قطع می‌کند و نه تنها موقعیت مادی زندگی جوانان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه، حتی بدتر از آنچه که در مورد بزرگسالان دیده می‌شود، دنیای فرهنگی آنها را نیز

- منابع:
۱. باقر ساروخانی، درآمدی بر دایرة المعارف علوم اجتماعی، انتشارات کیهان، ۱۳۷۰.
  ۲. تیان، آمار، تاوان‌های ناشی از پدیده بیکاری، ترجمه سید حسن هفده تن، مجله: کار و جامعه، اسفند ۱۳۷۶، شماره ۲۳.
  ۳. فتحی، یحیی، بیکاری و پیامدهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آن، مجله اقتصادی، خرداد ۱۳۸۱، شماره ۸.
  ۴. همان.
  ۵. بیکاری و پیامدهای منفی آن، روزنامه رسالت، اردیبهشت ۱۳۹۰، شماره ۷۴۴۱.
  ۶. خیرگزاری فارس.
  ۷. سایت آزمون نوز.